

چکیده

در مرکز روستای ازقده بنایی از عهد تیموری به چشم می‌خورد که امروزه به مسجد جامع مشهور است. مسجد جامع ازقده شامل هشتی ورودی با شیستان و ایوان مسقف مسطح می‌باشد. در این مقاله، نگارنده ضمن توصیف اجمالی و معرفی ویژگیهای این مسجد با استناد به کتیبه‌های موجود در بنا و پلان مساجد اسلامی و از همه مهمتر وجود سرداب در زیرزمین مسجد، معتقد است این بنا در اصل بقعهای بوده که بعدها تغییر کاربری داده و به مسجد تبدیل شده است. زمان و دلایل این تغییر کاربری هم به علت نبود شواهد کافی هنوز روشن نیست. امید است در آینده مدارک جدیدی در این خصوص به دست آید.

محمد حسنعلی پور
مرکز خراسان شناسی

معرفی مسجد جامع ازقده*

روستای ازقده در هفده کیلومتری جنوب شرقی بخش طرقله - از توابع مشهد - و در انتهای یکی از دره‌های دوازده گانه شمالی بینالود واقع شده است. به غیر از قسمت شمال شرقی که به ده مایان علیا محدود می‌شود، بقیه اطراف آن را کوهستان فراگرفته است. این روستا بین ۳۶ درجه و ۱۱ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی از

* در پی گزارش مکتوب آقای سید حسین رضوی - یکی از اهالی محترم روستای ازقده - مبنی بر قدمت و آثار باستانی به‌جامانده این روستا، در تاریخ ۷۷/۱۱/۱۱ با چند تن از همکاران مرکز خراسان شناسی - آقایان: اصغر ارشاد سراپی، رضا نقدی و داوود مسکین - جهت بازدید و بررسی، به ازقده رفتیم. این مقاله ره‌آورد آن جست‌وجوهاست. برخورد لازم می‌دانم از مساعده‌های یاران همسفرم و نیز از همراهی و میزبانی آن سید عالی تبار، قدردانی و تشکر کنم. همچنین از همکار محترم آقای صابر مقدم با جهت کمک در تهیه نقشه بنا سپاسگزارم.

نصف‌النهار گرینیویچ قرار دارد.^۱

در حال حاضر در روستای ازقد حدود ۲۵۰ خانوار زندگی می‌کنند. زبان اهالی این روستا فارسی و به لهجه محلی مشهدی است. در مورد وجه تسمیه روستا، اهالی دو نظر متفاوت دارند: یکی این‌که «ازقد» به معنای منطقه سرسبز است و دیگر این‌که «ازقد» مخفف «از قدیم» به معنای باقی مانده از کهن است. در المثنجد «أَزْعَدُهُ» به معنای شیر داد اورا، و «زَقْ - أَرْقَاق و زِقَاق و زِقَاق» به معنای خیک یا پوستی که برای آب و شراب، موی و پشم آن را گرفته باشند، آمده است.^۲ لازم به یادآوری است که در اسناد و مکاتبات رسمی و دولتی این نام‌جای «ازغد» نوشته می‌شود، لکن عموم اهالی آن را «زقی» تلفظ می‌کنند و در منطقه طرّبه نیز به همین نام مشهور است.

با بررسی پیشینه ازقد در کتابهای جغرافیایی و دایرةالمعارفهایی که از حدود نیم قرن پیش به این طرف نوشته شده - به جز یک مورد - گونه صحیح واژه «ازقد» یا حداقل تلفظ محلی آن «زقی» را نیاورده‌اند، بلکه تمام آنها از این روستا به نام «ازغند» یاد کرده‌اند. همین تشابه ظاهری، سبب گردیده که در املای آن اختلاف نظر باشد.^۳ تنها موردی که به تلفظ محلی نام روستا اشاره می‌کند به دوره صفوی باز می‌گردد: بین مرتضی قلی خان پرناک ترکمان - حاکم مشهد - و سپاه عباس میرزا (شاه عباس) نبردی درمی‌گیرد و «چون حاکم نیشابور درویش محمدخان روملو در مشهد و از زمره یاران مرتضی قلی خان بود، عباسیان به عزم تسخیر نیشابور از راه «رخ» روانه آن شهر شدند. ولی درویش محمد پیشدستی کرده، خود را سریعتر از حریفان از راه «کتل زقی و مایان» به نیشابور رساند». ^۴ ضمناً مؤلف تاریخ شهر مشهد نیز چنین آورده است: «زقی، همان

۱- مهدی ارسطوری: جغرافیای محلی ده ازغد (زغی)، پایان‌نامه تحصیلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه فردوسی (مشهد)، سال تحصیلی ۳۹-۴۰، صص ۱-۲.

۲- المثنجد، ترجمه احمد سیاح، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۷.

۳- حافظ ابرو در تاریخ حافظ ابرو؛ حسینعلی رزم‌آرا در فرهنگ جغرافیایی ایران، جلد نهم؛ علی اکبر دهخدا در لغت‌نامه؛ محمدحسین پاپلی یزدی در فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور؛ دایرةالمعارف تشیع (جلد دوم) در شرح حال ملامحمد اسماعیل بن حسن ازغندی همه از این مکان به نام «ازغند» یاد کرده‌اند.

۴- اسکندربیک ترکمان: تاریخ عالم‌آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵، ص ۵۳.

روستای کوهستانی است که مشهدها حالا هم آن را «زقی» یا «زغی» تلفظ می‌کنند، اما «ازغد» نوشته می‌شود.^۱

نکته‌ای که شرح آن در این جا ضروری می‌نماید صورت صحیح واژه «ازغد» یا



(تصویر شماره ۱) پایه ستون سنگی مسجد جامع ازقند



(تصویر شماره ۲) کتیبه پیشانی در ورودی مسجد

«ازقند» است. با استناد به منابع مکتوب که شرحشان گذشت، تمام آنها این نام‌جای را به صورت «ازغند» یا «غین» نوشته‌اند، حال آن که قدیمی‌ترین سند از صورت ظاهری این واژه یکی پایه ستون سنگی مقابل محراب مسجد جامع فعلی این روستاست که در ضلع روبه‌روی محراب کتیبه‌ای دارد با این متن: «در تاریخ ۸۳۳ تمام شد خط علی بن عوض فخرالدین ازقندی» (تصویر شماره ۱) و دومین سند در چوبی مسجد است که در کتیبه پیشانی آن عبارت: «تمت هذه البقعه الشریفه... خواجه علی ازقندی بسنه اربع ثلاثین و ثمانمائه به چشم می‌خورد» (تصویر شماره ۲). با توجه به این که این دو کتیبه با اختلاف یکی سال نوشته شده و نیز با استناد به این که این دو کتیبه قدیمی‌ترین

۱- مهدی سیدی: تاریخ شهر مشهد، انتشارات جامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸، پاورقی ص ۱۲۹.

اسنادی هستند که در آنها «ازقد» یا «قاف» نوشته شده؛ ولی معلوم نیست این تغییر «قاف» به «غین» در املای ازقد از چه دوره‌ای آغاز شده و چه دلیلی داشته‌است. آنچه بر ما مسلم است قدیمی‌ترین سند از صورت «ازغد» کتیبه‌ای سنگی است مربوط به عهد فتحعلی شاه و متعلق به مسجدی که در جای خود مفصلاً معرفی خواهد شد.

با توجه به قدمت و دیرینگی صورت ظاهری واژه «ازقد»، آنچه امروزه کاربرد یافته و عمومیت پیدا کرده، به صورت «ازغد» است که در پسوندهای فامیلی، مکاتبات رسمی و اسناد دولتی نیز به چشم می‌خورد، لکن بنا بر دلایلی که گذشت، به نظر می‌رسد کاربرد صورت قدیمی آن یعنی «ازقد» صحیح‌تر است و ما در این مقاله با توجه به پیشینه تاریخی که گذشت صورت «ازقد» و «زقی» را بر «ازغد» و «زغی» ارجح دانسته و در جای‌جای مقاله به صورتی که گذشت می‌نویسیم.

روستای ازقد از دیدگاه مطالعات باستان‌شناسی

۱- وجود دو مکان مشهور به «قبرستان گبرها»، یکی در فاصله هزار متری جاده امروزی طبقه به «ازقد» به وسعت تقریبی نیم هکتار و دیگری در سمت راست جاده با فاصله‌ای حدود پانصد متر.

۲- وجود سه قبرستان در داخل محدوده روستا با سنگ‌قبرهایی از نوع افراشته، صندوقی و لوحی که با استناد به کتیبه‌ها، بیشتر آنها متعلق به عصر قاجار است، اما در میان آنها سنگ‌قبرهای صندوقی مربوط به عصر تیموری نیز به چشم می‌خورد و نیز سنگ افراشته‌ای وجود دارد با ماده تاریخ ۹۷۳ که بسیار آسیب دیده است.

وجود پنج قبرستان در این روستا بر عمران و آبادانی آن در گذشته‌های دور دلالت دارد. همچنین تعدد سنگها و تنوع نقوش سمبلیک همچون قیچی، مهر، منبر، شمعدان، نیزه، تبر و ...، و نیز نقوش تزیینی گل و گیاه و نام و نام خانوادگی، عناوین و القاب صاحبان قبور و ایاتی که در مدح و ثنای بزرگان دین و ائمه هدی و مذمت دنیا بر آن سنگها نقش گردیده، می‌تواند راه گشای تاریخ واقعی ازقد باشد.

۳- وجود دو درخت کهنسال چنار در مرکز روستا - با ارتفاع افزون بر سی متر - هر بیننده‌ای را به حیرت وامی‌دارد. دور تنه هر کدام از آنها در سطح زمین نزدیک به بیست

متر است، به طوری که داخل تنه آنها را خالی کرده و فضایی شبیه یک اتاق مسکونی تعبیه کرده‌اند. اهالی محل بر این باورند که این دو درخت، افزون بر ۱۵۰۰ سال قدمت دارند!

۴- وجود دو مسجد در دو محله روستا که هر دو در زمان قاجاریه بنا شده است.

همچنین وجود دو تکیه موسوم به «تکیه کوچک» و «تکیه کبیر» که امروزه به حسینیه شهرت دارد، نشان از عمران و آبادانی روستا در ایام گذشته دارد.

۵- وجود یک بقعه متعلق به عهد تیموری که امروزه تغییر کاربری داده و به مسجد جامع شهرت یافته است.

۶- قرار گرفتن روستای «ازقده» در مسیر مالرو نیشابور به توس یا به تعبیر دیگر

مسیر فرعی جاده ابریشم، خود دلیل محکمی است بر عمران و آبادانی این روستا در ایام پیشین.

مسجد جامع روستای ازقده

مسجد جامع در مرکز روستا و روبه روی «تکیه کبیر» واقع شده است. با توجه به این که روستای «ازقده» در شیب دامنه قرار گرفته، به تبعیت از این قاعده مسجد نیز در یک سطح شیب دار بنا شده است. به همین دلیل ابتدا یک سکوی سنگی مصنوعی یا اصطلاحاً صفه‌ای را آماده کرده‌اند تا سطح شیب دار به یک سطح هموار و مسطح تبدیل شود؛ به طوری که ارتفاع دیوار جنوبی این سکوی مصنوعی که قسمت شیب دامنه را تشکیل می‌دهد در بعضی نقاط به پنج متر می‌رسد. نکته‌ای که توضیح آن ضروری به نظر می‌رسد مربوط به کاربری مسجد است. این بنا در ابتدا یک بقعه بوده، اما بعدها با افزودن محرابی در ضلع غربی آن تغییر کاربری داده و به مسجد تبدیل شده است. این مسجد به دلیل غنای فرهنگی تاریخی به پیشنهاد میراث فرهنگی خراسان در تاریخ ۱۳۷۱/۹/۶۴ به شماره ۱۶۹۷ در فهرست آثار ملی ایران ثبت گردید.

ورودی بنا: ورودی بنا در جبهه شمالی واقع شده که سه پله به طرف پایین دارد و به هشتی منتهی می‌شود. امروزه از این فضا به عنوان «کفش کن» مسجد استفاده می‌کنند. به نظر می‌آید این فضا الحاقی و در دوره‌های بعد افزوده شده باشد. در وسط دیوار جنوبی

این هشتی، یک در چوبی نفیس دو لنگه، ورودی اصلی بنا را تشکیل می‌دهد. این در، منبت‌کاری و نقوش آن شامل نقوش هندسی و گل و گیاه است (تصویر شماره ۳). پیشانی آن دارای کتیبه‌ای به خط نسخ است که قبلاً معرفی شد. بر بالای ورودی اصلی، دورتادور فضای هشتی کتیبه‌ای قرار دارد که در یک قاب مستطیلی به طول حدود ده متر و عرض نیم متر محصور شده. این کتیبه گچی با رنگ آخری بر زمینه مات نگاشته شده است. متأسفانه در حال حاضر این کتیبه، زیر لایه‌ای از رنگ سبز مدفون مانده‌است زیرا در سالهای اخیر فضای داخلی این هشتی را رنگ‌آمیزی کرده‌اند و بر اثر آن کتیبه مورد نظر، زیر لایه رنگ‌آمیزی پنهان مانده‌است.



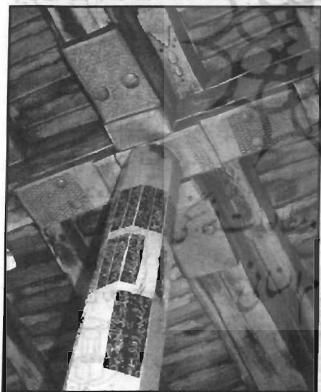
(تصویر شماره ۳) نقوش تزئینی بر روی در چوبی

معمترین محلی معتقدند متن کتیبه آیه‌الکرسی بوده و چند سال پیش بر اثر رنگ‌آمیزی روی آن پوشیده شده است.

فضای داخلی بنا: اندرونی بنا مربع شکل با ابعاد 12×12 متر که سقف مسطح و چوبی آن بر روی ۱۲ ستون (احتمالاً به نشانه دوازده امام) چوبی (سه ردیف در چهار ردیف) سوار شده است. محراب مسجد، در مرکز دیوارِ جبهه غربی قرار گرفته که در سالهای اخیر با سنگ مرمر بازسازی شده است. در طرفین محراب، دو ورودی تعبیه شده که به ایوان بنا راه دارد. امروزه ورودی جبهه شمالی، مخصوص آقایان و جبهه جنوبی به بانوان اختصاص دارد.

پایه ستونهای دوازده گانه تماماً از جنس سنگ به رنگ سیاه پرداخت شده و منقوش هستند. فرم پایه ستونها مربع، مدور و هشت ضلعی دارای نقوش هندسی و گل و گیاه است. قطر پایه ستونها از قسمت تحتانی به قسمت فوقانی کاسته می‌شود و در نهایت فرم مدور به خود می‌گیرد. ارتفاع پایه ستونها - به تفاریق - به ۴۰ سانتی متر می‌رسد و قطر آن نیز در همین حدود

است. بدنه ستونها از جنس چوب به قطر ۳۰ سانتی متر و حداکثر ۷ متر ارتفاع است که بر اثر تراش، فرم هشت ضلعی به خود گرفته‌اند. تمام ستونهای چوبی در قسمت فوقانی به یک سرستون چهار وجهی ختم می‌شوند که هر کدام از این سرستونها با دو میخ فلزی به حمال متصل شده و سرستونها با نقوش هندسی درهم‌یافته به صورت برجسته تزیین یافته‌اند (تصویر شماره ۴).



(تصویر شماره ۴) ستون چوبی که دارای کتیبه است

امروزه، در زاویه شمال غربی فضای اندرونی دری تعبیه شده که به

قسمت آشپزخانه مسجد منتهی می شود. این ورودی به طور قطع الحاقی است. زمانی که بقعه تغییر کاربری داده و به مسجد تبدیل گردیده، این ورودی نیز افزوده شده است. دو پنجره در دیوار جبهه جنوبی - که هم سطح با کف مسجد است - قرار دارد که روشنایی داخل مسجد را تأمین می کند (نقشه شماره ۱).

ایوان: ایوان بنا در پشت دیوار جبهه غربی اتاق اصلی واقع و مرکب از یک فضای مستطیلی ۶×۱۲ متر است. چهار ستون چوبی (دوردیف در دو ردیف) که بر روی پایه ستون سنگی سوار شده، بار سقف مسطح را تحمل می کنند. متأسفانه در حال حاضر راه پله ای که بتوان از طریق آن به ایوان دسترسی پیدا کرد، وجود ندارد. ارتفاع کف ایوان از سطح زمین تقریباً ۵ متر است و به همین خاطر تنها راه ورودی به ایوان از اندرونی بنا است (تصویر شماره ۵).

مصالح معماری: روستای ازقد از لحاظ بافت معماری دارای ویژگیهای خاصی است. تمام خانه های این روستا از جمله بنای مورد نظر با مصالح سنگ و اندکی ملات گل و «چوب کیش» ساخته شده است؛ به طوری که هنگام دیوارچینی هر ۲۰-۳۰ سانتی متر سنگ چین می شود، سپس ملات گل می ریزند تا فضای خالی موجود در بین سنگها پر شود. در مرحله بعد روی هر ۴-۵ ردیف سنگ چین یک تیرک چوبی به حالت افقی

قرار می دهند تا دیوار هم سطح و

یکساخت باشد و هم این که

چوب کش حالت قفل و بست نیز به

دیوار بدهد و بر استحکام آن

بیفزاید. با یک بررسی سطحی

می توان گفت ۷۰ درصد مصالح

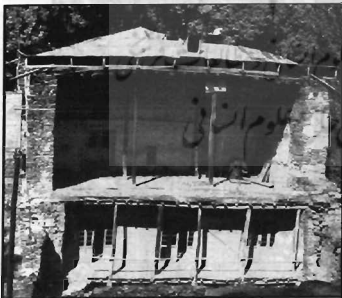
معماری این روستا را سنگ تشکیل

می دهد. مسجد ازقد نیز از این قاعده

مستثنا نبوده، به طوری که قسمت

هشتی، اتاق مقبره و ایوان با همین

مصالح ساخته شده است.



(تصویر شماره ۵) ایوان ستون دار

کتیبه‌های بنا: کتیبه‌های این بنا به سه دسته تقسیم می‌شود: کتیبه‌هایی که بر روی چوب نوشته شده، کتیبه‌هایی که بر روی سنگ نوشته شده و بالاخره، کتیبه‌ای که بر روی گچ نوشته شده است. کتیبه‌های سنگی و چوبی خود به دو گروه تقسیم می‌شوند: چوب‌نوشته‌هایی که یکی بر روی در ورودی اصلی و دومی بر روی ستون مقابل محراب قرار دارد. همچنین سنگ‌نوشته‌هایی که یکی بر روی بعضی از پایه‌ستونها و دومی بر روی دو لوح سنگی از جنس مرمر نقش شده است.

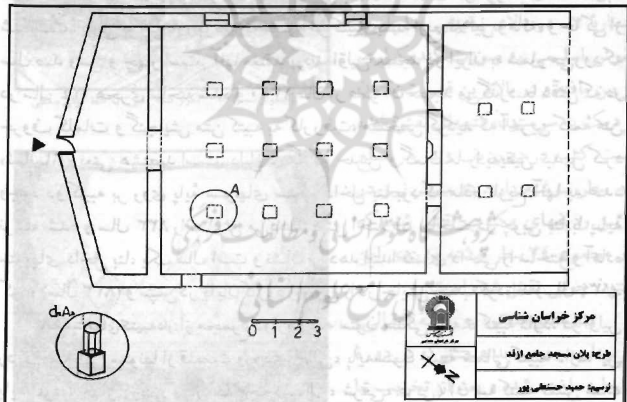
کتیبه‌ها:

۱- چوبی: در ورودی اصلی - ستون مقابل محراب

۲- سنگی: بعضی از پایه‌ستونها - دو لوح سنگی از جنس مرمر

۳- گچی

در مجموع یازده کتیبه در این بنا به چشم می‌خورد.



(نقشه شماره ۱)

بر روی در چوبی که دولنگه است، سه کتیبه حکاکی شده. در بالا و پایین این در دو کتیبه کوچک دیده می‌شود. کتیبه پایین در یک مربع ۹×۹ سانتی متر محصور شده که بر اثر آسیب شدید قابل خواندن نیست. قرینه این کتیبه در بالاترین قسمت که درصد آسیب دیدگی آن نسبت به کتیبه زیرین کمتر است، به علت افتادگی بعضی از حروف، قابل خواندن نیست. حروفی که سالم مانده، چنین است: «الا بف... هان لله مو... ها».

در پیشانی در ورودی یک کتیبه در ابعاد مربع به صورت برجسته کار شده و سالمترین نوع کتیبه در فضای هشتی است. در واقع این کتیبه به عنوان شناسنامه بنا نیز به شمار می‌رود. متن آن: «تمت هذه البقعة الشریفه [دوواژه اندکی آسیب دیده و خوانا نیست، احتمالاً «علی ید»] صاحب الخیرات و المبرّات خواجه علی ازقندی بسنه اربع ثلاثین و ثمانمائه» [۸۳۴].

نکته در خور توجه این است که چون جای کمی باقی مانده تا سنه کتابت کتیبه را بنویسند، حکاک با مهارتی که داشته «ثمانمائه» را تقریباً به صورت فشرده و نسبت به سایر کلمات متن اندکی ریزتر نگاشته و همین باعث اختلاف در مورد سنه ساخت بنا شده است. اهالی بر این باور بودند که سطر آخر کتیبه «بسنه اربع ثلاثین و مائه» و حاکی از سال صد و سی و چهار است. آنها معتقد بودند اولین مسجد در ایران به شمار می‌رود که در سال ۱۳۴ هجری ساخته شده و ۱۳۰۰ سال از عمر آن مسجد می‌گذرد. با دقتی که در حروف کلمات و گنجایش متن کتیبه به کار رفت، مشخص گردید که آخرین کلمه متن «ثمانمائه» یعنی هشتصد است. دلیل دیگر که حدس و گمان ما را به یقین تبدیل کرد وجود دو کتیبه بر روی پایه ستونهای سنگی داخل بنا بود که ماده تاریخ آنها به عدد نوشته شده و سال ۸۳۳ را نمایش می‌دهد؛ یعنی اختلاف ساخت در چوبی بنا با پایه ستونهای داخل بنا، یک سال است و نشان می‌دهد ابتدا فضای داخلی را ساخته و آماده کرده (سال ۸۳۳) و سپس در پایان کار، در چوبی را در جایش نصب کرده‌اند (سال ۸۳۴).

پایه ستونهای کتیبه‌دار از مجموع دوازده پایه ستون سنگی، سه تا کتیبه دارد. در اولین ردیف سه تایی ستونها از قسمت ورودی اصلی، پایه ستون جبهه شمالی کتیبه دارد. این پایه ستون، چهار وجهی و در سه وجه (شمالی، شرقی، غربی) آن سه کتیبه نقش شده است. کتیبه شرقی و غربی قرینه یکدیگرند. متن آن «علی» با خط بنائی است که چندین

بار تکرار شده. کتیبهٔ جبههٔ شمالی به خط ثلث نوشته شده که خواندن آن دشوار می‌نمود. تنها تاریخ ۸۳۳ قابل خواندن بود (تصویر شماره ۶).

دومین پایه ستون کتیبه‌دار در دومین ردیف سه تایی ستونها از قسمت ورودی اصلی بر روی پایه ستون جبههٔ جنوبی نقش شده که خواندن آن نیز میسر نگردید.

سومین پایه ستون کتیبه‌دار در چهارمین ردیف سه تایی ستونها از قسمت ورودی اصلی بر روی ستون مقابل محراب نقش شده است. متن کتیبه چنین است: «در تاریخ

۸۳۳ تمام شد خط علی بن عوض

فخرالدین از قدی». بر روی پایه ستون

فوق، ستونی از جنس چوب به ارتفاع

تقریباً هفت متر قرار گرفته که قسمت

تحتانی ستون دارای نقوش چلیپاشکل

به صورت برجسته است و هر نقش در

داخل یک مربع محصور شده. (تصویر

شماره ۷). در بالای نقوش چلیپایی،

نقوش اسلیمی به صورت کنده کاری

تزیین یافته و در بالاترین قسمت ستون

نزدیک به سرستون، کتیبه‌ای نقش شده

است. کتیبه در دو ردیف و در هر ضلع

دو سطر نوشته دارد. دو سطر نیز در

پایین ردیفهای مکتوب نقش شده که

در مجموع ۳۴ سطر نوشته بر روی این

ستون چوبی نقش شده است.

کتیبه‌های انتقالی: دو کتیبهٔ انتقالی،

مربوط به دو مسجد هستند که در دورهٔ

قاجار ساخته شده و بعد از تخریب یا

متروک شدن مساجد، کتیبه‌های آنها را



(تصویر شماره ۶) تکرار کلمه "علی" به خط کوفی معقلی



(تصویر شماره ۷) نقوش چلیپایی در قسمت تحتانی شالی ستون

به داخل این بنا منتقل کرده‌اند. کتیبهٔ اول بر روی سنگ یکپارچه از جنس مرمر سفید - مربوط به عهد فتحعلی شاه - در جبههٔ شرقی ایوان دقیقاً پشت محراب در داخل گچ محصور شده و متن آن چنین است:

به عهد دولت خاقان جمجا سکندر در

که نامد در جهانداری جهانبانی بر او بانی

فریدون حشمتی دارا خدم کز شوکت و شائش

بود ظاهر جمال یوسفی فرّ سلیمانی ۳۱۵

جهان دل بحر کف فتحعلی شاه آن که در عهدش

جهان را داد ترتیبی چو جسم مرده را جانی

دری از درج شاهی والی ملک خراسان کرد

که زبید بر قراز تارکش تاج جهانبانی

مهن شهزادهٔ اعظم ولی میرزا که تا باشد

نباشد از سرش کم سایهٔ الطاف یزدانی

چو رای عالم آرایش امور خیر بپذیرد

نگهداری خدایا حشمتش ز آفات دورانی

چو توفیقات یزدانی به یمن دولت خاقان

بر امر خیر سازد نیک ذاتی ساعی و بانی

دهد چشم بصارت آن قدر مر ذات قابل را

که تشخیص دهد فانی ربانی تاقی ارمانی [۹]

و لیکن نیست کس را آن رتبه غیر ذی فدی را

که شانس شهریار الملکی است از لطف سلطانی

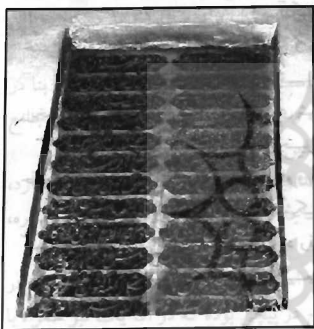
بود میرزا محمّد اسم او چون اسم جد خود

که هر دم جبرئیل آمد چو خدامش به دربانی

چو ارثی مانده از جدش بنای مسجد و منبر

نگردد منحرف از نسل ذات پاک انسانی

در ازغند کرد نیکو مسجدی بنیاد کاندرو وی
 ز جان و دل شود ماه فلک شمع شبستانی
 نیاید ذره‌ای بسوی ربا از بسوربای او
 صفای صفة‌هایش می‌فزاید فیض روحانی
 چون این تعمیر واقع شد بگفتا لمثله تاریخش
 بود میرزا محمّد عامل این کعبه ثانی
 [۱۲۲۲ هـ. ق.]



(تصویر شماره ۸) کتیبه عصر قاجار که از جای دیگر منتقل شده

دومین کتیبه نیز مربوط به عهد
 فتحعلی‌شاه بر روی سنگ یکپارچه
 از جنس مرمر سفید به ابعاد تقریبی
 ۱۰۰×۵۰ سانتی‌متر نقش شده.
 این کتیبه امروزه در بالای ورودی
 اصلی مسجد از جانب اندرونی در
 گچ محصور شده و متن آن چنین
 است (تصویر شماره ۸):

در زمان دولت دارای اسکندر غلام
 خسرو انجم چشم جمشید گردون اقتدار
 نواجیر خسروان فتحعلی‌شاه آن‌که هست
 تیغ او بر تارک اعدای دین چون ذوالفقار
 معدلت کیشی که در ایام عدلش روز و شب
 باز و گنجشک آشیان دارند بر یک شاخسار
 مسخر آن دودمان شهزاده دوران ولی
 آن‌که تیغ حکمش از مه تا به ماهی کرده کار

یافت چون از تیغ او ملک خراسان انتظام
گشت چون از عدل او اقلیم چهارم پایدار
بذل و جود آیینی از اخلاص کیشان درش
کس نیفزود از مه و شهزاده جاه و اعتبار
سروری از زمره آل نبی کز نام اوست
جمله خلق اولین و آخرین را افتخار
ز التفات ایزدی او را محمد نام شد
آنکه آمد شهریارش خطاب از شهریار

خواست تا عالی بنایی را شود بانی و زان
تا دم یوم النشور از وی بماند یادگار
ریخت طرح مسجدی ز الطاف حق از روی شوق
جبرئیلش هر زمان می‌روید از شهپر غبار
حاصل این فرخنده مسجد یافت چون اتمام و شد
آشکارا کعبه‌ای اکنون ز لطف کردگار
کلک مظهر از پی تاریخ و سالش زد رقم
کعبه اکنون شد از لطف الهی آشکار

[۱۲۲۳ ه. ق.]

متن کتیبه اول از تعمیر و مرمت مسجدی در «ازقده» به امر محمد ولی میرزا حاکم خراسان حکایت دارد. با استناد به مصراعات «مهین شهزاده اعظم ولی میرزا که تا باشد/ بود میرزا محمد اسم او چون اسم جد خود/ چو ارثی مانده از جدش بنای مسجد و منبر/ در ازغد کرد نیکو مسجدی بنیاد/ چون این تعمیر واقع شد بگفتا لمئه تاریخش/ بود میرزا محمد عامل این کعبه ثانی، ۱۲۲۲ قمری» چنین استنباط می‌شود که به امر شاه قاجار مسجدی در روستای ازقده بنا می‌گردد. گذشت زمان باعث آسیب دیدگی و خرابی آن می‌شود، تا زمانی که محمد ولی میرزا شاهزاده قاجار والی ملک خراسان شده، به دستور وی مسجدی که توسط جدش بنا شده بود در سال ۱۲۲۲ قمری تعمیر و مرمت می‌گردد. لکن متن کتیبه دوم بر بنای مسجد جدیدی در روستای ازقده به امر محمد ولی میرزا والی

خراسان حکایت دارد، با استناد به مصراعهای: «مفخر آن دودمان شهزاده دوران ولی/ یافت چون از تیغ او ملک خراسان انتظام/ از التفات ایزدی او را محمد نام شد/ خواست تا عالی بنایی را شود بانی/ ریخت طرح مسجدی ز الطاف حق از روی شوق/ حاصل این فرخنده مسجد یافت چون اتمام و شد/ کلک مظهر از پی تاریخ و سالش زد رقم، ۱۲۲۳ قمری».

لازم به یادآوری است «محمد ولی میرزا پسر چهارم فتحعلی شاه در سال ۱۲۰۳ هجری قمری زاده شد و در سال ۱۲۱۸ قمری پس از فتح مشهد و گرفتاری نادر میرزای افشار در سن ۱۶ سالگی به حکومت خراسان منصوب و تا سال ۱۲۳۱ قمری در این سمت باقی بود».^۱

سخن آخر در باره تغییر کاربری این بناست. چنان که پیشتر اشاره شد این بنا در ابتدا بقعه‌ای بوده که بعدها تغییر کاربری داده و در حال حاضر نیز به عنوان مسجد جامع روستای از قد مشهور شده است. به سه دلیل این بنا در اصل بقعه بوده نه مسجد: اولاً پلان بنا هیچ شباهتی به مساجد عهد تیموری و یا حداقل پلان مساجد ندارد، چون عناصر فضای اصلی تشکیل دهنده مساجد ایرانی عباتند از: صحن، ایوان، مناره، شبستان، گنبد و محراب.^۲

دومین دلیل وجود سرداب در زیر بقعه است. اهالی اعتقاد دارند در گذشته در قسمت زیرزمین بنا، یک اتاق تاریک و پیچ در پیچ بوده که در آن یک قبر همراه با سنگی شبیه تابوت بر روی آن قرار داشته، لکن بر اثر نوسازیهایی که در مسجد صورت گرفته، راه منتهی به سرداب مسدود شده است. پس وجود سرداب در زیر بقعه و دفن جسد در آن دلیل محکمی است بر مسجد نبودن این بنا، زیرا در اسلام دفن اجساد در مسجد معمول نبوده و نماز خواندن در گورستان نیز مکروه است.

سومین دلیل، کتیبه در چوبی مسجد جامع است که به صراحت از این بنا به اسم بقعه یاد می‌کند. زمان این تغییر کاربری را هم به دلیل نبود مدارک کافی نمی‌توان تعیین کرد،

۱- مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران، تهران، انتشارات زوار، چاپ چهارم، ۱۳۷۱، ج ۴، صص ۲۶-۳۳.

۲- مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، «گذشته، حال، آینده»، دانشگاه هنر، ج اول، ۱۳۷۸، ج ۱، ص

مگر این که در آینده شواهد جدیدی به دست آید. با این حال قدیمی ترین منبعی که از این بقعه به نام مسجد یاد می کند، مطلع الشمس است. اعتماد السلطنه در سال ۱۳۰۰ قمری می نویسد: «در قریه از قد که از قصبه اردمه است مسجدی باصفا دیده می شود که تقریباً پانصد سال قبل ساخته اند. دو چنار عظیم در درب مسجد هست که جوف یکی از چنارها دکان بزرگی است»^۱.

در ارتباط با صاحب بقعه و این که کدام شخصیت در این جا مدفون شده نیز، پس از تحقیق بسیار، دامنه مطالعات ما هنوز نتوانسته از چهره واقعی شخصیت مورد نظر پرده بردارد. آیا وی شخصی عارف مسلک بوده یا عالمی پرهیزگار و یا پیری صاحب کرامات! همین قدر می دانیم فردی که در این جا مدفون است، عامی و عادی نبوده و قطعاً از چنان مقام و منزلت مهمی برخوردار بوده که چنین یادگار باشکوهی را در این آبادی کوچک آن هم در شش قرن پیش به پاس مقام و منزلت وی بنا کرده اند. هر که باشد، روانش شاد باد.

در این باره، اعتماد السلطنه در مطلع الشمس، ص ۱۳۶۲، ص ۵۶۴، می نویسد: «در قریه از قد که از قصبه اردمه است مسجدی باصفا دیده می شود که تقریباً پانصد سال قبل ساخته اند. دو چنار عظیم در درب مسجد هست که جوف یکی از چنارها دکان بزرگی است»^۱.

۱- محمد حسن خان صنیع الدوله (اعتماد السلطنه): مطلع الشمس، با مقدمه و فهرس و اهتمام تیمور برهان لیموده، تهران، انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۶۲، ص ۵۶۴.